



۱۰۷

سوسیالیسم امروز

۳۱ مرداد ۱۳۹۸ - ۲۲ اوت ۲۰۱۹

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

سرور: آزکیما

گفتگو با سلام زیجی
به مناسبت چهلمین سالگرد
یورش وحشیانه جمهوری اسلامی
به جامعه کردستان

صفحه ۴

زنان را در بند آزادیها محدود کرده اند!

صفحه ۳

تاثیرات منفی تحریم های امریکا
بر جامعه و چه باید کرد؟

صفحه ۱۱

جمهوری اسلامی یک نظام غارتگر
و جنایتکار است، باید برود!

صفحه ۱۰

انتحار و انفجار و جنگ
در افغانستان

صفحه ۱۰

جهل و خرافه گری
یک رکن مهم بقای
حکومت اسلامی ایران

آذر کیمیا

اخیرا دوباره همه شاهد مضحکه "قربان" و سلاخی کردن حیوانات به دست مسلمانانی، که به خرافه و سنت ارتجاعی آلوده شده اند، بودیم. شاهد بودیم که از این راه وحشیانه حتی حیوانات را هم با وحشت و فضای بدور از شان انسان مواجه نمودند و به بهانه دروغین کمک به فقرا سوده های کلانی از جانب دولت و سرمایه داران و بنگاه های خرافی سودجو بدست می آورند. آنچه که در "مکه" حول این مناسک هر سال اجرا میشود گویای دورویی و سود جوئی یک مشت عنصر عقب مانده و مسلمانان سرمایه دار است که باید مورد انزجار همه قرار بگیرد.

سنت ارتجاعی قربانی کردن در قرن ۲۱ ریشه اش به دوران بربریت بشر بر می گردد. با گذشت قرنهای متمادی و تغییرات پایه ای و گسترده در همه ی عرصه های اقتصادی سیاسی اجتماعی فرهنگی تکنولوژیکی و علمی چرا باز چنین روزهایی در سطح جهانی و با تبلیغات وسیع رسانه های دولتی و غیر دولتی تکرار می شود؟ روزهایی که بخشی از بشر علیه حیوانات بی دفاع در ابعاد جهانی اعلام جنگ می کند و آن ها را در سطح میلیونی قتل عام می کنند. سیستم سرمایه داری این روزها را مانند نور چشم شان حفظ می کنند چرا که پول ساز است. در آن سرمایه داری و

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

چهل و خرافه گری یک رکن مهم...

مرگ مسئله ای است که همواره ذهن انسان ها را در طول تاریخ به خود مشغول کرده است. عموم انسان ها این را نمی پذیرند که بخشی از طبیعت هستند و مرگ مانند هر موجود زنده دیگر پایان کار آنان نیز است. اما مذهب این وعده را داده که پس از مرگ حیات در دنیای دیگر ادامه پیدا خواهد کرد و برای این دنیای فرضی به صورت مدون اطلاعاتی را در اختیار انسان ها قرار می دهد این اطلاعات شامل تصویر گری از آن دنیا از این رو انسان های نا آگاه مذهبی به راحتی جذب این اطلاعات ساختگی می شوند.

یکی از ویژه گی های مهم این دنیا تقسیم انسانها به سیاه و سفید به اروپایی و آسیایی وووو به ستم گران و ستم دیده گان سرمایه داران و مزد بگیران و یا استثمار گران و استثمار شدگان است. به این دلیل است که عموماً انسان های تحت ستم و استثمار شده تلاش می کنند خود را از این وضعیت رها سازند. باز در این جا نیز مذهب در دفاع از سرمایه به طور فعلاً لانه و با تمام قدرت وارد صحنه می شود. و به انسان ها می گوید اگر در این دنیا به شما ظلم شده نگران و ناراحت نباشید بلکه منتظر بمانید تا در آن دنیا اجر و پاداش خود را با رفتن به بهشت موعود از خداوند بگیرید. البته تصاویری هم از زندگی در بهشت می دهند بسیار فریبنده است. بزرگترین خیانت ادیان به انسان این است که به آنها آموخته مرگ پایان زندگی نیست. اگر عموم انسان ها می دانستند که تنها یک بار و آن هم در دنیا فرصت زندگی دارند. شاید فلسفه زندگی خود را بر مبنای آزادی شادی و برابری بنا می کردند و زندگی و سرنوشت خود را به دست قضا و قدر و خرافات دینی و چیز موهومی به نام الله و دین هایش نمی دادند. در این نوع زندگی جایی برای تبعیض، نابرابری، خشونت، جنگ، و تباهی و نابودی زندگی دیگر انسان ها باقی نمی ماند و خبری از مزخرفات خرافی به اسم خدا و قرآن و ماه محرم و قربان و بهشت و جهنم و غیره نمی شد و همه آزاد و انسانی عمر مفید خود را به بهترین شکل ممکن سپری میکردند. برای رسیدن به چنین دنیا و زندگی واقعی ای بدوا باید حکومتها و جریانها از نوع جمهوری اسلامی را به زبیل دان تاریخ سپرد!

صنایع گوشت در همین روزها چند میلیارد دلار بالا می رود بدون این که آنها کمترین محدودیت اخلاقی و عذاب وجدان از این همه خونریزی خود حس کنند. همین ها هستند که جنگ و خونریزی بین انسانها را راه می اندازند تا با فروش سلاح هایشان دست یابی به منابع مهم و مواد خام سهم بیش تری ببرند. اکثر کسانی که در این روز در مکه و نقاط دیگر جهان از روی قربانیان خود با شادی و سرور می پرند و حتی خون قربانی خود را به پیشانی کودکان نیز می زنند اغلب حاجی ها و پولدار هایی هستند که خودشان نیز در این کشتار حیوانات سهم مادی و معنوی دارند.

تنها چیزی که مغز انسان را به اسارت می گیرد تعصبات خشک دینی و اعتقاد به خرافات است و این معضل اغلب در کشورهای جهان سوم پررنگ است. گویا هدف اینها توسعه جهل و تسلط بر سرنوشت مردم و ترویج خرافات است. بنابراین مذهب خرافه و ابزاری در دست سیستم سرمایه داری جهانی است. و در طول تاریخ بشر هر جای جهان مذهب به قدرت رسیده فجایع بی شمار انسانی آفریده است. اکنون ر ایرانماه هولناک محرم و عاشورا و تاسوعا در جریان است.

محرم یکی از ماه های پر رونق و پردر آمد و پر جنب و جوش بازار مکاره تبلیغ و ترویج و در آمد آوندها و دارو دسته های مذهبی است. حکومت اسلامی ایران سعی دارد به مناسبت های مختلف از جمله ماه محرم و قربان و غیره ایدئولوژی ارتجاعی مذهبی خود را هر چه بیش تر تبلیغ و ترویج کند و با بهره برداری سیاسی و اجتماعی و فرهنگی از نا آگاهی و شعور پایین بخشی از شهروندان جامعه احساسات آن ها را تحریک کند و بدینوسیله به بقای حاکمیت ضد انسانی خود کمک می نماید. بدین ترتیب تلاش میشود تا همه مسائل جامعه از بیکاری، تورم، گرانی، اختناق، سانسور، بی حقوقی در جامعه، تشدید سرکوب زنان، کارگران، جوانان، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران و فعالین عرصه های مختلف سیاسی اجتماعی و انسانی را تحت تاثیر این روزهای مذهبی قرار دهند و موقعیت ارتجاعی خود را باز هم تحکیم بخشند.



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org



کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران پیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را یا رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید
iransocialist2017@gmail.com.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنوشتی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشانشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



زنان را در بند آزادیها محدود کرده اند!

تینا خلیفه ای

ی دوم به عنوان منبع سرمایه و لذت استفاده کرده است. و به نظر

من نظریه ی زن برتر را طی چند مرحله ساختند. نظریه ی زن برتر چیست؟ با نگاهی به اطرافمان کاملاً متوجه میشویم که از دیدگاه آن ها زنی است که مدام در تبلیغ کالاهای مختلف خانگی پاک کننده پوشاک بچه و... به دنبال پاکي و تمیزی خانه، بهترین شیر برای بچه یا به دنبال بهترین فرش و مبیل برای خانه اش است مدام دنبال تزها و محصولات زیبایی است مجلات مد را میخواند مدام از چاقی و نداشتن اندام متناسب با زن برتر مینالد نگران ناخون هایش چروک چشمها و کوچکی لب ها، و عدم تطبیق صورت و اندام خودش با مدل ها و سلبریتی های مشهور دنیااست.

سرمایه داری با زرق و برق و سر و صدای سعی دارد جنبه ی منفی و آسیب زننده و غیر انسانی دیدگاهش در باره ی زنان را پنهان کند. آزادی زنان امروزه به حربه ای برای بازیچه قرار دادن زنان استفاده میشود و جریان های سیاسی به راحتی و البته با وقاحت تمام خودشان را پشت این قضیه به خوبی پوشش میدهند. آن ها با حفظ و بزرگ داشتن منزله ی ظاهری زن و نادیده گرفتن ارزش ها و حقوقش او را زیر تیغ پول و گردش سرمایه ی جهانی قرار میدهند که نتیجه ی آن فقر، فحشا، بیکاری، نا آگاهی و عدم شناخت کامل زنان از تواناییهایشان، استثمار اقتصادی و کاری اعتیاد قاچاق جنسیتی و... میشود. در اینجا باید محدودیت هایی که هم مرد سالاری دیرین و هم سرمایه داری نوین برای زنان خلق کرده را شکست و نابود کرد زنان امروزه ما دریافته اند که خودشان راه را انتخاب کنند و از زنجیر تفکر جامعه و تور تبلیغات جهانی عبور کنند و برای آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه و تلاش کنند. بدین ترتیب یک رکن اصلی آزادی زن عبور از نظام سرمایه داری و استقرار یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی است!

آزادی به عنوان مقوله ای جهانی فراملیتی و فرا فرهنگی از مفاهیم پیچیده و پر کاربرد جهان امروز به شمار می رود مفهومی که شعار های متعدد و از سوی اقشار متفاوتی بدون حد و مرزی به زبان آورده میشود و ایده و تفکر و نسبیت های متفاوتی را در بر میگیرد. آزادی یکی از عالی ترین و بزرگترین ارزش های انسانی و مافوق ارزش مادی است و خواسته اولیه و طبیعی هر انسان این است که هیچ مانعی در برابر خواسته های او نباشد. به همین دلیل است که انسان ها دوستدار مفهوم آزادی به معنای رهایی از موانع و محدودیت ها هستند اما مسئله این است که آیا آزادی که برای ما تعریف و دیکته شده همان آزادی مطلوب با ارزش های حقوقی و پایه ای انسان است یا حيله ی روانشناسان زیر دست قرن گذشته برای کنترل بهتر ذهنیت اجتماع؟

بحث حقوق زنان یکی از پر مناقشه ترین مباحث در زمان ما است. مهمترین مناقشه درباره آن بر سر تفاوت یا تساوی حقوقی است. با وجود اجماع همه مکاتب بر سر ارزشمندی عدالت به طور کلی و عدالت حقوقی به طور خاص، دو رویکرد متمایز در مورد عدالت در حقوق زنان وجود دارد: رویکردی که عدالت حقوقی را به تساوی حقوق زن و مرد برمیگرداند و تفاوتها را ظالمانه میخواند؛ رویکرد دیگر، بر رعایت استحقاق ها برای تحقق عدالت حقوقی تأکید میکند و برابری مطلق حقوقی را ناعادلانه می شمارد. میتوان از رویکرد نخست به عدالت مساواتی و از رویکرد دوم به عدالت استحقاقی تعبیر کرد؛ بنابراین مسئله مورد منازعه نفی یا اثبات عدالت حقوقی نیست، بلکه بحث بر سر آن است که عدالت حقوقی با برابری حقوقی محقق میشود یا به فقه های فکری تازه منجر می شود.

شاید اگر میخواستیم در قرن ۱۹ تا ۲۰ درباره ی حقوق زنان حرف بزنیم باید از رهایی بند فکر زنان و مردان از مرد سالاری و فاشیست مذهبی آپارتاید جنسی صحبت کرد و برای آن ها حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و شناختی تفکیک را روشن کرد اما الان به طور کل قضیه فرق کرده است برای اینکه شاهد ظلم و زیر پا گذاشتن حقوق زنان باشیم

لازم نیست دنبال مادران کارگری باشیم که نیمچه حقوقی میگیرند و مدام به خاطر مرد سالاری حاکم حقوق اولیه ی انسانی و شهروندی محروم می شوند بلکه باید دنبال راه رو های سیاسی، تز های روانشناسی کنترل اجتماع، فاشیستی و مبادله با جنسیت و نوعیت زن این بار نه با عقب افتادگی فکری و اجتماعی و تبعیض جنسی بلکه با نام آزادی و حقوق فردی زن را استثمار کرده و خواهند کرد. امروزه تبلیغات تلویزیونی، شبکه های اجتماعی، بیلورد های خیابان ها، سلبریتی ها، مجله ها، روزنامه ها، جامعه، فرهنگ، مناقشه های سیاسی همه قاطی بازی سرمایه داری و بردگی نوین زنان شده که در یک صده ی اخیر سرمایه داری جهانی در وهله ی اول به عنوان نیروی کاری و در وهله



نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!



گفتگو با سلام زیجی به مناسبت چهلمین سالگرد یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به جامعه کردستان

سوسیالیسم امروز: رفیق سلام زیجی اکنون سالگرد چهلمین سال روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ است، که بنا به فرمان جهاد خمینی جلاد در آن تاریخ یورش وحشیانه نظامی به جامعه کردستان صورت گرفت. چرا چنین اتفاقی افتاد؟ چرا فرمان جهاد؟ چرا این همه کشتار و جنایت وحشیانه از جانب جریان خمینی و مزدورانش؟ این واقعه چه پیامدهای به دنبال داشت؟

شکل دیگری، با لباس اسلامی، به یک اسم دیگری ادامه بدهد. این تعرض جمهوری اسلامی در ۲۸ مرداد که شما به آن اشاره می کنید در واقع در ادامه سرکوب کلیت آن پروسه انقلابی علیه نظام پادشاهی و در ادامه تعرض به کل آن انقلاب توسط جریان ارتجاعی اسلامی به رهبری خمینی بود.

تاریخ نگاران سالم و واقع بین نمی توانند یورش ۲۸ مرداد ۵۸ به جامعه کردستان را بدون کلیت روندی که در ایران اتفاق افتاد در آن دوره در نظر بگیرند. این یورش قبل از کردستان از تهران شروع شد و قبل از تهران از کارگران شرکت نفت شروع شد و وقتی جمهوری اسلامی توانست به همت نیروهای مرتجع دیگر، از جمله همان هایی که همین امروز هم زیر بال جنبش دوم خرداد و بعدا جنبش سبز رفتند ، و یا جزو مجاهدین و نهضت آزادی و جبهه ملی و چریک اکثریتی و حزب توده آن دوره بودند، توانستند آن پروسه انقلابی را در بخش عمده ای از ایران سرکوب نمایند ، کارگران را پس بزنند، مردمی که مسلح شده بودند خلع سلاح بکنند و بالاخره در یک پروسه ی یک ساله توانستند در شهرهای بزرگی مثل تهران و جاهای دیگر جا پای برای خود باز کند، زمینه یورش به مناطق دیگر از جمله کردستان که تحت کنترل دولت نبود هنو فراهم کنند و بدین ترتیب در کل کشور اعمال قدرت کنند.

در ادامه این روند ضد انقلابی و تسلط نسبی اش بر شهرهای بزرگ مانند تهران و غیره است که جمهوری اسلامی تحت عنوان "برقراری امنیت و مبارزه با اشراار" شروع کرد به بهانه گیری و تدارک حمله مسلحانه به مناطق کرد نشین. زیرا تا آن مقطع یعنی تا یک سال بعد از انقلاب ۵۷ ، جمهوری اسلامی نه تنها در کردستان نتوانسته بود که دستاوردهای انقلاب را پس بزند ، بلکه به همت آزادی هایی که در آن جامعه به دست آمده بود، آزادی های سیاسی، آزادی تشکیل احزاب و فعالیت های متنوع دیگری که واقعا در آن جامعه و در آن تصویری که برای آن دوره می شود در نظر گرفت جامعه نسبتا آزادی بود، و بسیار شکوفا گردید . این شرایط آزاد و انقلابی برای جمهوری اسلامی که ماموریت فوری اش شکست آن انقلاب و از میدان بدر کردن نیروهای حاصله از آن شرایط انقلابی از جمله کارگران و کمونیستها را بر عهده داشت بسیار خطرناک بود. از این نظر

سلام زیجی: یک نسل عظیم از انسانهای مبارز و مردم عادی در باره آن رویداد تاریخی حضور ذهن دارند و شاهدان عینی حقیقتهای آن دوره اند، و من نیز یکی از آنها هستم. در سال ۵۷ اتفاق مهمی بوقوع پیوست، که عبارت بود از وقوع یک انقلاب اجتماعی بر علیه نظام استبدادی و دیکتاتوری سلطنتی نظام پهلوی. در این انقلاب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران تا مرحله راندن شاه پیروز نسبی بدست آوردند، اما خمینی و جریان اسلامی مامور شکست آن انقلاب و مخالفت با ادامه روند آزادیخواهی شدند رویداد ۲۸ مرداد و جامعه کردستان هم جزو تفکیک ناپذیر این حرکت و روند انقلابی به یادماندنی است. در همان دوره جمهوری اسلامی به همت کشورهای غربی زیر نور افکن قرار گرفت و شخص مرتجعی به نام خمینی را در بوق و کرنا کردند و به عنوان رهبر آن انقلاب به مردم تحمیل کردند و همان طوری که در جریان هستیم سرانجام متاسفانه آن انقلاب به آن هدفی که عبارت بود از آزادی ، برابری و رفاه و خلاصی از زندان و اعدام و استبداد و کشت و کشتار، نتوانست برسد .

کشورهای غربی و جریانات ارتجاعی عملا خمینی و اینها را جانشین سیستم پهلوی کردند و این نظام می بایست بخاطر پس گرفتن دستاوردهای انقلاب ، به خاطر اینکه این انقلاب نرود تا ته خط، تا آنجایی که هدفش بود ، می بایستی جلوش را می گرفتند ، می بایستی از منافع و همان سیستمی که شاه بر سرش حاکمیت می کرد جمهوری اسلامی تحت عنوان و پوشش انقلاب و نماینده انقلاب با همین نام انقلاب را سرکوب کند و با همین نام پیشروی آن روند انقلابی و آن فرهنگ و فضای آزادی و رشد مطالبات و اینها را بگیرند. و می بایست نظام سرمایه داری در ایران را دست نخورده نگه دارند، با سیستم سرکوبش، با زندانبانی و با استثمار بی وقفه ای که حکومت پهلوی علیه طبقه کارگر می کرد و علیه آزادیخواهان به پیش می برد. می خواهم بگویم که جمهوری اسلامی برای این سر کار آمد که دقیقا این انقلاب را قیچی کند و راه سیستم نظام پهلوی را منتها به یک

← ادامه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت چهلمین ...



تصورشان این بود که این یک گوشه ای و سنگر مهمی از آن انقلابی است که آنها دارند پیش می زنند و می خواهند شکستش بدهند. از این زاویه بود که جمهوری اسلامی تدارک حمله به آخرین سنگر آن انقلاب را دید و این کار را نیز کردند. ۲۸ مرداد ۵۸ سر آغاز چنین یورش‌هایی به کردستان ایران بود. اقدام جنایتکارانه ای که تقریباً با اتکا به همان ارتش باقی مانده از شاه فراری داده شد و بقیه مزدوران تازه مسلح شده شان همزمان در ترکمن صحرا و مکانهای دیگری نیز شروع کرده بود.

"سازشکارانه" حزب دمکرات که بعضاً به اسکورت نیرویهای مسلح جمهوری اسلامی هم منجر شد، و بلاخره و مهمتر از هر عاملی به دلیل قساوت و بیرحمی و جنایتها و کشتارهای که این رژیم در کردستان نیز مرتکب شد سر انجام توانست از نظر نظامی جامعه را سرکوب و اپوزسیون مسلح را وادار به عقب نشینی کند و جامعه را ملیتاریزه کند و مستقر شود.

منتها با این وجود واقعیت این است که میتوانیم به دلایل های مختلف و با فاکت های متفاوتی نشان بدهیم، به عنوان مثال تداوم اعتراضات هر روزه در اشکال مختلف و چندین بار دست بردن به اعتصابات عمومی علیه جنایات رژیم، نشان داد که جمهوری اسلامی اگر چه از نظر نظامی و سرکوب توانسته پیشرویهایی را در کردستان و یا در ابعاد ایران نیز بکند، منتها نسیم همان انقلاب و اهدافی که آن انقلابی که جمهوری اسلامی کمر به شکستش و نابودی اش بسته بود، کماکان در قلب و هدف و آرزوهای تک تک آن مردم جامعه باقی مانده و معضلات و مطالبات بیشتری علیه جمهوری اسلامه به آن افزوده شده است. به همین دلیل امروز در جامعه کردستان نه تنها آن سرکوب ها باعث عقب نشینی به کل جامعه نشده بلکه در ابعاد بسیار گسترده و اجتماعی جمهوری اسلامی مورد تنفر عمیق بخش بسیار وسیعی از شهروندان است.



اعدامهای صحرائی و خیابانی به توپ بستن روستاها و شهرها با هلیکوپتر و توپخانه سنگین اشغال منازل مردم و دستگیری تمامی افراد خانواده ها

یک فاکتور مهم دیگری را در آن رویداد تاریخی باید در نظر گرفت و آنرا با همه "تاریخ جنبش کردها" متفاوت تر کرده بود، بگونه ای که رژیم اسلامی نسبت به آن بسیار حساستر و وحشی تر عکس العمل نشان میداد و هم بخشی از نیروی خود "جنبش کردها" اعم از ملی گرایان و اسلاميون کورد. و بعضاً جریان اسلامی و خمینی با آنها علیه این پدیده جدید در سنگر مستقیم و غیر مستقیم قرار می گرفتند. این پدیده جدید در شکل گیری یک مبارزه و مقاومت سر سخنانه و حتی غیر قابل انتظار برای جریان خمینی نقش اول و رادیکالی داشت، بدون چنین پدیده ای "قافله" کردستان همان دوره لبیک فرستادن قاسملو به خمینی فاتحه ش خوانده میشد. هنوز هم این فاکتور کم و بیش یک ویژگی تاریخی نوین جامعه کردستان را نشان میدهد که برای همه طرفهای ارتجاع دولتی و غیر دولتی به یک معضل جدی تبدیل شده است.

در ۲۸ مرداد سال ۵۸، درست در شرایطی که بخشی از مردم در کردستان به عناوین مختلف از جمله در کوچ تاریخی که در مریوان صورت گرفت، و مردم آزاده در بانه و سنندج و خیلی جاهای دیگر نیز به آن کوچ پیوستند و هدف این کوچ این بود که بهانه ای دست جمهوری اسلامی ندهند و اعتراض کنند و بگویند: ما نه تنها این رژیم را نمی خواهیم، بلکه می خواهیم در یک فضای به اصطلاح مدنی و اجتماعی زیر بار این سرکوب ها نرویم و آزادی خودمان را حفظ کنیم و مانع این شدند که جمهوری اسلامی یک جنگ خونین را به شهر مریوان و منطقه تحمیل کند. در این شرایط و در آن اوضاع و احوال درست دو هفته بعد از این واقعه، ۲۸ مرداد پیش می آید و ۲۸ مرداد تبدیل می شود بر روز و شروع یک حمله ی خونین زمینی و هوایی که جمهوری اسلامی سازمان می دهد و از منطقه پاوه و آن مسیرها شروع می شود و ادامه پیدا می کند. تا این مقطع یک جنگ بسیار نابرابر و یک حاکمیت زورگویانه مذهبی عقب مانده و ضد انسانی را همانند کل کشور به مردم کردستان و به اپوزیسیون آن جامعه نیز تحمیل می کند.

به دلیل ناتوانی احزاب ورهبران آن دوره در سازماندهی یک مبارزه و مقاومت توده ای و مسلحانه انقلابی ادامه دار که هم ممکن و هم زمینه بسیار زیادی داشت، اما اتکا صرف به سنتهای محدود ناسیونالیستی مبارزه در قالب "پیشمرگای" باعث گردید دامنه و قدرت فشار و اعتراض و دامنه آن مبارزه، حتی در شکل مسلحانه آن نیز علیه یورش رژیم ناکافی و محدود و ضعیف شکل بگیرد، و هم به دلیل سنگ اندازیها و سیاست

ادامه ←

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت چهلمین ...

جمهوری اسلامی توانست موفقیت بوجود بیاورد و نظام فاسدش را جایگزین نظام فاسد پیشین شاه نماید و در این راه صدها هزار انسان مبارز و بی دفاع را سلاخی کرد.

سوسیالیسم امروز: شما فکر می کنید چرا این مقاومت در کردستان به این شکل علنی و مسلحانه و توده ای و تا به امروزش که ما داریم صحبت می کنیم جدا از تمام اعتراضات و مبارزاتی که در سراسر ایران هست، در کردستان در یک شکل دیگری مطرح است. دلیل این را شما چه می دانید؟ می خواهم بگویم چرا به این شکل حاد و اعتراضی و مسلحانه تا به حال در کردستان هست؟ ویژگی اش چیست؟

سلام زیجی: چند تا ویژگی دارد مهمترین جنبه اش به نظرم همان است که بیشتر توضیح دادم: اکثریت مردم کارگر و زحمتکش جامعه ی کردستان دادم پا به پای کل کارگران و زحمتکشان ایران بر علیه هم حکومت استبدادی شاه و هم جمهوری اسلامی به پا خاستند، و این منشا ایجاد پل حمایتی و همراهی بیشتر

شهروندان ایران را به همراه خود داشت. پیوستن گسترده غیر کرد زبانان به این مبارزه و مقاومت، ارسال انواع کمک های مادی و ارسال دارو به کردستان و دهها مورد دیگر گویای برخورداری جامعه کردستان از حمایت بی دریغ بقیه شهروندان در سراسر ایران بود. بدین ترتیب جمهوری اسلامی هر تبلیغات دروغینی در باره احزاب، نیروی مسلح و جامعه در کردستان میکرد نزد بیشتر شهروندان در کل کشور دود میشد و هوا میرفت. جمهوری اسلامی برای شکست انقلاب و قدرت گیری خود از تهران و قم و مشهد و... شروع کرد، اما همچنان که توضیح دادم یک پروسه ای چشم گیر حدود یک سال و اندی و بعدا در دوره ی دوم، که جنگ دوم نام گذاری شد، چندین سال جامعه کردستان بدون حضور جمهوری اسلامی تجربه آزادیهای سیاسی را لمس کرد، و این مسئله به ویژه وقتی یک جریان چپ و کمونیست و آزادیخواه رشد می کند و شکل می گیرد در آن جامعه و نقش ایفا می کند بلا واسطه به خود آگاهی کارگران تبدیل می شود و روحیه مبارزاتی را بالا می برد.

← ادامه



این مهم مسئله رشد و عروج کارگر و چپ و کمونیسم متشکل در جامعه کردستان بود. در پس آن تحولاتی که گفتیم در ایران، جمهوری اسلامی قبل از هر چیزی تعرض کرد به کارگران و چپ و در ادامه علی العموم جریانات اپوزیسیون بورژوا را هم تحمل نکرد زد. در کردستان در آن دوره یک ساله ۵۷-۵۸، بدون حضور کامل رژیم و سپس چندین سال در چند شهر و مناطق وسیع بدون امکان حضور جمهوری اسلامی ما فعالیت داشتیم و جامعه آزادی را تجربه کرد. به عنوان جریان چپ و کمونیستی جامعه که بعدا بیشتر در شکل کومه له و سپس همچنین در شکل حزب کمونیست آندوره در جامعه در بخشهای مختلف فعالیت داشتیم و مقاومت مسلحانه علیه رژیم سازمان دادیم، باعث گردد این جنبش به ظاهر و غیر واقعی "جنبش کردی" و یا "کردها" به جنبشهای متفاوت طبقاتی، حداقل دو جنبش کارگری و چپ، و ناسیونالیستی و اسلامی، در تار و پود جامعه و نوع مبارزه با رژیم و

چگونگی حل مسئله کورد و غیره دو راه کاملا متفاوت و متضادی را طی کنند. به علاوه جریانات چپ و آزادیخواهی که از مراکز دیگر مثل تهران و خیلی شهرهای دیگر آمده بودند و در همان سنگر آزادی و چپی آنزمان به فعالیت های خودشان در کردستان ادامه دادند و با رژیم جنگیدند. حضور این چپ "غیر کردی" به نقش و رادیکالیسم چپ در کردستان و کومه بطور اخص تاثیر مثبت و رادیکالتری گذاشت. این موقعیت در کردستان بزرگترین خطری بود که جمهوری اسلامی فکر می کرد بایستی بزند همانطوری که در شرکت نفت و دیگر نقاط کشور آنها را سرکوب کرده بود.

اوباش جمهوری اسلامی فکر می کرد بایستی برایش توطئه ای بچیند و نگذارد که کمونیسم و آزادیخواهی و اصلا آن خصلت و انگیزه ای که تحت پوشش یک انقلاب اجتماعی به پا خواست و حکومت سلطنتی را به زمین زد، آن روحیه مبارزاتی باقی بماند و آن نیروهای بر آمده از یک دوره انقلابی را بایستی بزند تا بتواند "نظام جمهوری اسلامی" خود را به آسانی جایگزین "نظام پادشاهی" کند. دولت وقت امریکا و غرب و ارتش باقی مانده شاه و زندانها و شکنجه گران دوران شاه هم آماده خدمت به "امام" در راه استقرارش بودند. و متأسفانه در این مسیر

نمان سایت سوسیالیسم امروز:

info@simroz.org

نمان با خبرخانه حزب سوسیالیست انقلابی:

iransocialist2017@gmail.com

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت چهلمین ...

این مبارزه رادیکال کارگری و کمونیستی و وجود پارتیزانهای کمونیست در قالب 'کومله' قدیم یا چریک های فدایی و پیکار و غیره بود که توانست آن ویژگی را به کردستان بدهد و آنرا به "سنگر انقلاب" تبدیل کرد. طبعاً ویژگی دیگر و البته منفی این جامعه عروج ناسیونالیسم و ملی گرای افراطی با رهبری حزب دمکرات کردستان ایران بود. که اگر چه در مقاومت مسلحانه و مقابله با رژیم اسلامی در دوره های نقش داشتند اما در خیلی زمینه ها بر پیشروی جمهوری اسلامی در کردستان و عرض اندام ارتجاع مذهبی کمک کرد، و مرتب سرگرم لبیک فرستادن و معامله با "امام خمینی" شان بوده و در جستجوی گرفتن امتیازاتی از حاکمیت برای شراکت در قدرت بودند نه چیز دیگری. آسیبی که حزب دمکرات در آن سالها به مبارزه ما علیه رژیم اسلامی، به آزادیهای جامعه و به



عکس از جنبش دموکرات ما در دهه ۶۰. قلمرو برای جنبش شرکت کننده در جنبش است. تان جده. خرابان دهکده در منطقه چاپ شده است.

نیروهای چپ و کمونیست وارد کرد بنظرم زیاد کمتر از آسیبهای وارده جمهوری اسلامی به جامعه کردستان نبود!

در مقایسه با بقیه ایران بنا به آن ویژگیها، جریان اسلامی خمینی و همراهان مزدورش فرصت پیدا نکردند به سرعت دستاوردهای آن انقلاب را پس بگیرند و خواست آزادی و برابری را خفه کنند. در نتیجه کارگران فرصت بیشتری برای رشد آگاهی خود و ایجاد تشکل ها و بنک های زحمتکش و خیلی چیزهای دیگر بدست آوردند. احزاب امکان عروج و رشد پیدا کردند، ماشین تبلیغات اسلامی و دروغ گوئی های آنها حتی از کانال مزدوران چون مفتی زاده ها هم نتوانست جامعه کردستان را فاسد و مرعوب کند. در حالی که متأسفانه چنین فرصتهای کمتر برای بقیه ایران ممکن گردید. همان نفس اول شرکت نفت که شاهراگ آن انقلاب بود، که کلید اصلی بود برای سرنگونی حکومت سلطنتی، درست جمهوری اسلامی آنجا را زد. از داریوش فروهر گرفته تا بعدها بنی صدرش تا بقیه اش رفتند از اونجا شروع کردند و نگذاشتند مردم از آن فضای آزاد به وجود آمده خودشون را سازمان بدهند، آگاهی را به پیش ببرند و حزب تشکیل بدهند. ولی این امکان در کردستان وجود داشت. این فضا به وجود آمد و این یکی از دلایل های پایه ای این مسئله است.

یک جنبه ی دیگرش این بود همانگونه که اشاره کردیم جامعه ی کردستان نیز مثل هر جامعه ی دیگری دارای طبقات و احزاب مختلف و متضادی بوده و هست. جدا از سنت کارگری و کمونیستی جنبش ما، یک

سنت بورژوازی هم در جامعه ی کردستان سابقه ریشه داری داشت. ، این سنت ، سنت جنبش بورژوا- ناسیونالیستی کورد است. می شود بیشتر توضیح داد که هیچ وقت این جنبش ناسیونالیستی در سازماندهی این مقاومت انقلابی علیه جمهوری اسلامی دخیل نبود ، بلکه همیشه در پای میز مذاکره و اسکورت ارتش و این جور چیزها بود. منتها با وجود این بالاخره آنها هم دنبال نقش آفرینی و سهم خواهی خود بودند از حکومت. و برای اینکه این سهم را بگیرند او هم جنبش خودش را سازمان می داد ، او هم مسلح شد و اهرمهای فشار خود را سازمان داد. علاوه بر کمونیزم و جنبش کمونیستی کارگری ، پا به پای آن یک جنبش ناسیونالیستی و بورژوازی کورد هم امکان برآش فراهم شد که خودش را سازمان بدهد

و سرانجام کل جامعه کردستان تحزب یافته و مسلح شد. این ویژگیها با خود شرایط حاد و پر تلاطم تر ، معترض تر و پر جنب و جوش تری علیه حاکمیت اسلامی در کردستان شکل بگیرد و همچنان ادامه دارد.

باید اضافه کنم که وقتی جمهوری اسلامی حمله ی ۲۸ مرداد را سازمان داد، چه قبل و چه بعد از آن تاریخ، با خود دریائی از جنایت و خون آفرید و این جنایت به تعمیق و گسترش نفرت اجتماعی از جمهوری اسلامی بیش از پیش افزود. هر چند این جنایتکاران در سراسر ایران جنایت آفریدند و همه جا کشت و کشتار بود. منتها ابعاد آن جنایات به دلیل فاکتور مقاومت و مقابله سیاسی- توده ای و مسلحانه به مراتب وحشیانه تر شد. جمهوری اسلامی هواپیما هایش را به آسمان می فرستاد و می زد و دیگر کاری به این نداشت که طرف مسلح است یا نیست. از کودک و پیر و جوان را تو روستا و شهر به خاک و خون کشید. جنگ ۲۴ روزه سنج و دها هزار خمپاره شلیک کردن و ویران کردن منازل مردم بر سرشان، روستا به روستا و شهر به شهر در جامعه کردستان ما با چنین اقداماتی رو برو بودیم .

ادامه



ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت چهلمین ...



همینجا اعلام نمایم که هر حزب چپ و راست و یا هر فعال و عنصر سیاسی که چنین وانمود میکند ما در کردستان با یک "جنبش کردستان"، یا یک "جنبش ملی کرد"، یا با "جنبش کردها"، یا در بهترین حالت با ادبیات چپ ملی "جنبش انقلابی کردستان" و تعاریف ماورا طبقاتی و جعلی مشابه مواجه هستیم باید بدانیم اینها ناسیونالیستهای بسیار فریبکار و خطرناکی هستند و این تعاریف و مفاهیم شان درست مانند دولت مرکزی که از "میهن"، "منفعت کشور"، "ملت ایران"، "مردم بزرگ ایران"، یا با بحث فرهنگ و مذهب و تاریخ دو هزار ساله ایرانی و چرند تمامیت ارضی کشور و غیره کلاه گشاد سر خلیاها میگذارند، اینها هم در کردستان برای تقابلهای با برادر بزرگتر زورگوشان در قالب دولت مرکزی با این مفاهیم جعلی به عوامفریبی روی می آورند و با زندگی مردم در معامله و سهم خواهی شان با دولت فاشیست اسلامی سوه استفاده نموده و خود را نماینده یک "ملت" معرفی میکنند، و اینکه گویا بجز ستم ملی بقیه هزار و یک درد و ستم واقعی تر و درد آورتر دیگر در این جامعه کشک است و معنی و مفهومی برایشان ندارد. باید از این سناریوهای دروغین و از دست جنبش و احزابی که به قدمت تاریخ "کوردها" بجز شکست و ناکامی و "خیانت" چیزی برای مناطق کرد نشین به ارمغان نیاورده اند خود را خلاص کرد و راه آزادمتش و آزادیخواهانه ای در پیش گرفت.

نه فقط ساده ترین حقیقت مبتنی بر طبقاتی بودن آن جامعه مانند همه ایران و جهان، و وجود جنبشهای مختلف از جمله جنبش کارگری و ناسیونالیستی و مذهبی ضد همدیگر در آن جامعه، بلکه ما در کردستان نه با یک جنبش "کورد" بلکه با جنبشهای متفاوت از جمله جنبشهای ناسیونالیستی و مذهبی و کارگری و سوسیالیستی مواجه ایم. به همین ترتیب نه با یک راه حل برای

ادامه



همان وقتها که بحث خلخال جلاذ پخش گردید از جامعه کردستان شروع شد، وحشت و انزجار آفرید. این جنایات به پیروزی نظامی جمهوری اسلامی کمک کرد اما به دامنه تنفر از رژیم اسلامی عمق بیشتری داده است. وجود یک تنفر عمیق اجتماعی از یک حکومتی که با بی رحمی تمام من را می کشد، بچه ام را می کشد، جنایت رو سازمان می دهد، به هیچ چیزی رحم نمی کند و تازه اسم من و شما قربانی را هم "ضد انقلاب" و "اشرار" گذاشته، اسمش را عوامل پالیزبان گذاشته و یک دنیا دروغ کثیف از این نوع را سازمان می دهد، پاسدار و بسیجی با این تبلیغات سمی می برد مغز خر بهش میداد و آنها هم می آمدن میگفت میرویم در کردستان "شهید" می شویم، و در نهایت هم آنها به درک نائل میشدند و هم مردم بیدفاع زندگی و کاشانه شان ویران میگردید. سران مرده و زنده جمهوری اسلامی مسئول تمام این جنایات هستند و آخرش همه شان را مرده یا زنده محاکمه خواهیم کرد. زنده هایشان را به شدت مجازات خواهیم کرد، و بر روی گور مرده گان قاتل و جانی شان ضمن برگزاری مراسم محاکمه شان، بر مزار کثیفشان خواهیم نوشت ای جلاذ ننگتان باد!

سوسیالیسم امروز: از نظر شما مهمترین درس این تجربه چهل ساله کدامند؟ و چه باید کرد؟

سلام زیجی: جمهوری اسلامی و تک تک مهرهای زنده و مرده شان بدون هیچ تردیدی آدمکش، مجرم و جانی هستند، و باید سرنگونشان کنیم و مجازات شوند! دست تک تک شان از اصولگرا و دوم خردادی و جنبش سبزی تا مفتی زادهها و دیگر کوردهای کاسه لیس و مزدور جمهوری اسلامی به خون کارگران، زنان، سالمندان، جوانان و کودکان رنگین شده است. باید همه شان را مجازات و محاکمه نمود. هر نیرو و حزبی که در صدد معامله و یا کمک کننده تداوم عمر این حکومت باشد و آنرا با وجود این تاریخ مملو از جنایت به مثابه حکومت مشروع "مردم" به رسمیت بشناسد از خود جمهوری اسلامی پست تر و ضد مردمی تر است و باید آنها را نیز مجازات کرد. از اینرو هر گونه امیدی به این نظام جانی، هر گونه سرمایه گذاری احمقانه دوباره حول جناحهای رژیم و قول و قرارهای فریبکارانه آنها، هر گونه اتکای به نقش و سیاست دولتهای دیگر از جمله دولت جنایتکار آمریکا برای رهائی از چنگ رژیم، و هر گونه تجسم آزادی و رهائی و خوشبختی از راه توهم پراکنی در قبال سیاست و عملکرد اپوزسیونهای چون سلطنت طلبان، مجاهدین، احزاب فدرالیستی کورد بورژوا همیشه سر بزیر جمهوری اسلامی و یکی از دولتهای سرکوبگر و یا اتکا به هر جنبش و نیروی ملی گرا و مذهبی در داخل یا خارج کشور، بدون برو برگشت به منزله استقبال از تدارک شکست مجدد و خانه خرابی و نابودی چند نسل دیگر از انسانهای تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت خواهد بود. مهمترین درس و تجربه مسدود کردن این مسیر، ترد چنین احزاب و سیاستهای، و روی آوری جامعه به یک مبارزه متشکل و متحزب و قهر آمیز انقلابی و سوسیالیستی است!

در عین حال باید تاکید کرد که جامعه کردستان بدون رهائی کل جامعه ایران از چنگ جمهوری اسلامی هرگز رها نخواهد گردید، طرحهای فدرالی و استقلال و دیگر تخیلات مشابه در شرایط کنونی بجز پیچیده تر کردن مسیر آزادی و رفع ستم ملی و بجز خود فریبی هیچ سودی برای جامعه کردستان ندارد. و بلاخره باید تاکید نمایم که با مبارزه پیشمرگانه و تکرار و ادامه سناریوهای سنت احزاب ناسیونالیست کرد نیز بجز شکست چیزی نسبب جامعه نخواهد شد.



همه بازداشت شدگان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند!



... سنندج در سال ۱۳۵۹

جامعه قربانی سیاستهای ارتجاعی این شیدان و حقه بازان فاسد دو دوزه باز سیاسی شده اند. تفاوتی در صور مسئله نمیکند که اینها کورد زبان هستند یا فارس یا عرب یا ترک، یا مدال فریبکارانه هر "ملیت" دیگری بر سینه خود آویزان کرده باشند. همه اینها محصول نظام ظلم و ستم و خون سرمایه داری اند. و کل دعوا و مراقبه شان تنها و تنها بخاطر کسب سهم بیشتر برای خود و فرقه و جنبش شان است.

در راس این حرکتها مهم نیست که آیا اسمشان منتظری، رفسنجانی، خامنه ای، خمینی، روحانی، خاتمی و ترامپ و شیوخ حاکم بر خلیج فارس قرار دارد یا عمو زاده، هایشان به اسم مهدی، هجری، رجوی، پهلوی، و...!

اگر جامعه، از جمله جامعه کرد نشین ایران، در بعد وسیع راهش را از این قماش و جنبشها و دولتهای ارتجاعی جدا کند و به جای آن به جنبش کارگری-سوسیالیستی، به آلترناتیو که ما سوسیالیستها ۴۰ سال است برای حل مسئله کرد و رفع ستم ملی نیز مبارزه میکنیم و آنرا نمایندگی کرده ایم روی بیاورند میتوان گفت از این چهار سال آزمون خوبی گرفته ایم و میتوانیم آینده بهتری برای خود و نسل آینده رقم بزنیم. بدون این انتخاب و آزمون هر نوع تلاش و مبارزه ای ناکام خواهد شد و آب در هاون کوبیدن است و درس عبر نگرفتن از تاریخ. بدون این انتخاب و بدست گرفتن آزمون بهتر نه خبری از آزادی و حل معضل دیرینه ستم ملی خواهد بود و نه خبری از پایان جنایت و جنگ بین احزاب بورژواناسیونالیست و شونیسم حاکم و حکومتهای جنایتکار مرکزی!

اما حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان و فرهنگیان و دانش آموزان و انسانهای مترقی را فرامیخواند که سیاست و راه حل و مبارزه ای انتخاب نمایند که ما طبقه کارگر و سوسیالیستها و حزب سوسیالیست انقلابی ایران آنرا نمایندگی میکند و همواره پرچمدارش بوده ایم.

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت چهلمین ...



رفع ستم ملی که با چندین راه حل متضاد برای حل مسئله کرد و رفع ستم ملی روبرو هستیم. کسی که اینها را منکر میشود باید بدانیم یک کلاهبردار سیاسی بیش نیست! ادعای اینکه "همه کورد هستیم" و یک منفعت و یک آینده داریم به اندازه اینکه "همه ایرانی هستیم" و همه یک منفعت و آینده داریم یک دروغ شاخدار بسیار بزرگی است. مدعیان این پروپاگاند بورژواها و ناسیونالیستهای کرد و فارس و ترک و بخش فاشیستی و افراطی این جنبش است که در تاریخ زندگی شان هزار بار آنها را به هر جهتی خواسته برده است و از جمله ناسیونالیسم کورد همواره شکست خود را به ناحق به شکست و ناکامی "مردم کورد" تبدیل کرده اند. در همین کردستان ایران همه میدانیم یک روز به خمینی لیبیک میفرستند روز دیگر با امریکا و مجاهد و سازگارا عکس میگیرند و روز بعد با بخشی از همین رژیم و بقول خودشان "جاشها"ی مسلح و غیر مسلح همصدا میشوند، و روزی دیگر باز دوباره با حربه "ملت کورد" و جنبش کردستان" به پای "آشبتال" و معامله و تسلیم با دولت مرکزی می روند.

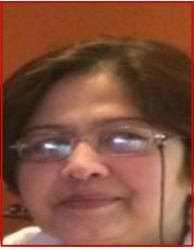


بنظر من مهم ترین درس چهار سال اخیر تشخیص واقعیتهای ساده فوق است!، بنظرم دقیقا مانند چهار سال کل تجربه شکست و ناکامی قیام ۵۷ تا حالا در ایران باید این حدقل درسها را گرفته باشیم: اگر میخواهیم کارگران و زحمتکشان و مردم ستم دیده از همه ستمهای که بر او اعمال میگردد رهائی پیدا کنند نباید به دام دولتهای غربی، به دام جناحهای رژیم، و به دام هیچ حزب و جنبش دست راستی یا چپ نماهای دوباره بیفتند که

خودشان توجیگر شرایط موجود بوده اند و در تحمیل این ناکامیها بر ما سهیم بوده و نقش منفی داشته اند. و یا خود بخش تفکیک ناپذیری از وجود ستم و خرافه گری ملی و مذهبی اعمال شده بر کل شهروندان هستند، و بجز سود جوئی، ذینفع بودنشان در تداوم و بقایای نظام ظالمان سرمایه داری، و تلاش برای سهم بری اقتصادی و شراکت در قدرت دولتی به دنبال هیچی برای "مردم" نیستند! هر ادعای غیر از آن حقایق ساده هزار بار تجربه شده بگویند مطلقا دروغ میگویند. گفتیم که کلمات تزئین شده "مردم"، "ملت"، "میهن"، "خاک"، "فرهنگ ملی"، "مذهب و سنت" و دیگر هذیانگوئی های فریبکارانه شان تنها و تنها برای تحمیل مردم و تحریک و فریب آنها در جهت رسیدن به اهداف ارتجاعی خود بکار میبرند. این مفاهیم هیچ فرقی با چرندیات زوزه یک مداح، زوزه خوانی دروغین و خرافی یک آخوند، با سینه زنی و قمه کشی های شیعه مسلکان خاک بر سر امام حسینی ها، و یا با یک داعشی و سلفی- سنی مذهب کثیف و جانی ندارند.

ننگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیان!

انتحار و انفجار و جنگ در افغانستان



ماریا یوسفزی

چه بگویم و از کدام درد بنالم ما مردم افغان زمین زاده ملک بلا کشیده هستیم که سالها غیر از جنگ و خون ریزی و جنایت چور و چپاول؛ تجاوز و خشونت کدام حرف خوش نداشتیم... ملک که اصل اش به غلامی و نوکری ورشد باتد های مافیای استوار باشد ملت خاموش و خفته در خواب هستند انجام اش این است. تا وقتی مردم خود به داشتن آزادی پی نبرند به معنی زندگی نمیفهمند. عاقبت اشت چنین اس. در این اوخردر افغانستان که پروسه کمپاین انتخابات جریان دارد و در حین حال تجلیل از صد سالگی استقلال افغانستان هم جریان دارد و هم تقریبا مدت ها است که سخنان در باره پروسه صلح به "حمایت امریکا" هم رد و بدل میشود. اما در این جریان حادثات وحشتناک و دلخراش بوقوع پیوسته که قلب ادم تکه تکه میکند.

از انجمله کشتار ۳۷ سربار در ولایت تخار؛ بیشتر از ۳۵ نفر در بس مسافر بری در مسیر راه هرات و قندهار؛ انتحاری در ناحیه ششم چند هفته پیش از ۲۵ نفر؛ واقعه هرات؛ غور؛ کوته سنگی.... دره زدن یک زن در بدخشان در محکمه صحرای توسط طالبان بجرم سخن گفتن با تلفون.... و تیر باران زنان به جرایم مختلف.... صد ها حادثه دیگر که برای گفتن اش گنگ میشم و برای نوشتن اش قلم از نوشتن باز میماند. در افغانستان جنگ در بین گروه های جنگ قدرت و چوکی جنگ باندیست های است و متأسفانه هیچ صلح در انتظار مردم نیست. در پروسه صلح امادگی جنگ دیگری در راه است تمام ولایات و قریه جات شمال و جنوب شرق و غرب افغانستان تحت سلطه دولت داعش و طالب و بنیادگرا های مذهبی جنایت میافزینند همه ملت افغانستان در شرایط پر از چالش و ناامنی و خشونت قرار دارند در این مدت کمتر از یک و دو ماه پیش از ۱۰۰۰ نفر کشته شده و صد ها کودک وزن و مردزخمی در حالت بد قرار دارند.

خلاصه تاریخ روز های سیاه دیگر را ورق میزند.



جمهوری اسلامی یک نظام غارتگر و جنایتکار است، باید برود!

مینا تهرانی

بزرگترین غارتگر و بی رحم ترین و بی مسئولیت ترین حکومتی که انسان از دوره مغول یا بعد از تجربه نظام نازی هیتلری به خود دیده است همین نظام غارتگر و جنایتکار جمهوری اسلامی ایران است، که بجز سرنگون کردنش راهی دیگری برای ما در پیش نیست.

انسان با دیدن و شنیدن این همه فقر و بی حقوقی و صحنه های ناخوشایند و اخبار هایی که واقعا لرزه بر پیکر هر بیننده با وجدان و بی غرضی میاندازد، مانده ایم که چرا باید اینرا تحمل کرد و تا کی؟!.

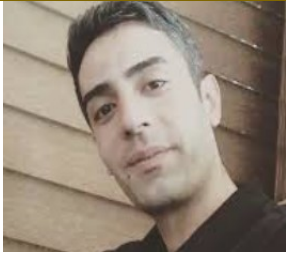
اگر این نظام فاسد آنطوری که خود به دروغ همراه ادعا کرده که حامی پا "برهنه ها و مستضعفین" است، نمی بایست شاهد نابودی چند نسل پا برهنه و کارگر و "مستضعف" در کشور می بودیم!، اگر چنین بود هر روز از "اختلاس" میلیاردها "سرا" و وابستگان این نظام با خیر نمی شدیم!، اگر چنین می بید باید آبادانی را از مرزها شروع میکرد تا باکشاورزی مدرن و پیشرفته به آبادانی و ایجاد مدارس و دانشگاه بیمارستان و مراکز تفریحی و ورزشی و ایجاد اشتغال از سیل جمعیت به طرف شهرها و استانها و مراکز و آنها جلوگیری میشد و با بر نامه ریزی و مدیریت درست تمام کشور بطور مساوی و بنا بر نیاز هر منطقه کمبود ها را جبران میکردند.

گویا برخی از استانها و شهرهای مرزی را حتی به فرزند خواندگی هم قبول ندارند و تصادفاً جز نقشه کشور ایران بچاپ رسیده است و هیچگونه از خدمات رفاهی آموزشی و فرهنگی و پزشکی و.... بهره ای نصیبشان نشده و همچنان باید بعد از ۴۰ سال حکومت جبار و غاصب و وحشی در کپر زندگی و درس بخوانند، و در میان زباله ها بدنیاال لقمه نانی جهت زنده ماندن در میان هزاران نوع آلودگی از پس ماندهای بیمارستانی تا زباله های خانگی و پس آبهای آلوده و گندابهایی که خود منشأ انواع و اقسام بیماری های و آگیر و عفونت های حاد که زندگی را برایشان صد چندان سخت تر کرده و مشکل بزرگتری بر مشکلات و غذایی که دچار آن هستند افزوده خواهد شد.

براستی چه کسانی باید پاسخ گو باشند؟ مسئولین، فرمانداران، استانداران، نهاد ریاست جمهوری، و یا لایت فقیه مطلقه حامی و طرفدار مستضعفین!!؟؟ یا تاجران و بازاریان و آقا زاده هایی که میلیاردها دلار از دارایی کشور را به عناوین مختلف چه در داخل و چه در خارج از کشور به جیب زده و کشور را به ورطه نابودی کشانده و به اسم وارد کردن دارو جهت بیماران صعب العلاج و خاص آنها را به کام مرگ کشانده و یا بصورت قاچاق بیماران از عهده خرید دارو های مورد نیاز و حیاتی خود بر نیامده و با درد و مرگ دست و پا میزنند. از نظر ما معلوم است که آنها همه شان مسئول این اوضاع نابسامان هستند اما انتظار از بهبود اوضاع به وسیله آنها خود فریبی و یک حماقت کامل است. همه این نهادها، نهاد تخریب و دزدی و سرکوبند نه آبادانی و تامین عدالت و برابری و رفاه شهروندان!

حالا گویا با چهار صفر کم کردن از ریال باید منتظر دست پخت جدید حضرات نوایع اقتصادی کشور بود که آیا راه به جایی خواهند برد یا با پرروئی تمام نسخه جدیدی برای فریب جامعه خواهند پیچید؟ یا بطور کامل به برچیده شدن و سرنگونی نظام فاسد می انجامد.

زنده باد سوسیالیسم امروز تنها ناجی انسان و انسانیت،
بر قرار باد پرچم سوسیالیستی که اساس آن بر آزادی و برابری انسانهاست



تأثیرات منفی تحریم های امریکا بر جامعه و چه باید کرد؟

زاگرس ابراهیمی

آمار طلاق نیز طبق اعلام سخنگوی سازمان ثبت احوال کشور تا ۱۵ تیرماه سال ۹۸، ۱۷۵ هزار و ۶۱۴ رویداد طلاق در سال ۹۷ تا تیرماه ۹۸ ثبت شده است که میانگین سن مردان ۳۶/۹ و میانگین سن زنان ۳۲/۱ در طلاق بوده است که برآورد با سال ۹۵ حدود هشت درصد افزایش یافته است و همچنین طبق برآورد های اخیر میزان تورم کالاها و مایحتاج روزانه مردم با بیش از سیصد درصد رو به رو بوده است این در شرایطی اتفاق می افتد که از لحاظ درآمد فرق بسیاری میان تورم و افزایش درآمد ماهانه زندگی بیشتر مردم است، از همین روی مردم تحت فشار بسیاری قرار گرفته اند که برای رسیدگی به امورات زندگی مجبور شده اند که خرید برخی از کالاهای غیر ضروری در زندگی را حذف کنند تا بتوانند هزینه خورد و خوراک و تحصیل فرزندانشان را بپردازند.

اما سوال این است آیا سیاست ضد انسانی و ظالمانه تحریم اقتصادی اعمال شده از جانب هیئت حاکمه امریکا توانسته است آن تأثیری که قرار بود بر فعالیت های رژیم در خارج از ایران را بگذارد، داشته باشد؟! یا درست بر عکس به بقای حاکمیت و توجیه سازی سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در برخورد به خواسته های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شهروندان بیش از پیش کمک کرده است. در باره بیرون مرزها هم به همین شکل بوده، برای مثال رژیم در سوریه و یمن و عراق و لبنان آیا عقب نشینی کرده است و به مرزهای خود بازگشت است؟! جواب این سوال را بدون شك همه میدانیم و آن خیر است پس همانطور که قبلا در بیانیه های حزب سوسیالیست انقلابی نیز اعلام کرده ایم تحریم اقتصادی شهروندان و یک کشور تنها بر ضرر جامعه ایران است نه دولت فاشیست اسلامی حاکم بر آن کشور. تنها و تنها زندگی و جان مردم بازیچه سیاست های این دو رژیم جنایت کار منطقه ای و جهانی شده است، که برای خلاصی از اینها و قلدری و ماجراجویی هایشان و مقابله با به گرو گرفتن نان و زندگی شهروندان از سوی هر دو دولت ظالم سرمایه داری راهی بجز مقابله متحد کارگران و آزادیخواهان علیه سیاست هر دو دولت جنایتکار حاکم در ایران و امریکا وجود ندارد!، سرنگونی فوری جمهوری اسلامی امر ما کارگران و زحمتکشان است و اولین راه حل برای پایان دادن به مخاطرات و جنایتی است که بر کل جامعه و مردم منطقه سایه انداخته است.



همانطور که همه ما در جریان امور تحولات سیاسی مرتبط با ایران هستیم قبل از بر سرکار آمدن ترامپ بر منسب قدرت شعار انتخاباتی خود را با خروج از توافق برجام شروع کرد که در نهایت بعد از به قدرت رسیدن وی از توافق برجام خارج و سیاست "فشار حداکثری" تا توافق دیگری را برگزید که با بازگشت تحریم ها دوباره جامعه ایران دچار تشنج اقتصادی و خیمی شد و وضعیت زندگی مردم این کشور هر روز رو به وخامت گذاشت. اما من در این مقاله میخواهم اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم را بعد و قبل از شروع تحریم ها بپردازم که جامعه مدنی ایران از لحاظ بروز جرائم و مشکلات فردی و اجتماعی از لحاظ آمار ازدواج و طلاق و در نهایت از لحاظ موضوعاتی همچون فروش کلیه و ... دچار چه تحولاتی شده است.

مطابق طرح آمارگیری نیروی کار در تابستان ۹۷، استان های کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، اصفهان در تابستان ۹۷ بالاترین نرخ بیکاری را به میزان ۱۶،۴ درصد، ۵،۱۵ درصد و ۰،۱۵ درصد داشته اند که نسبت به برآورد با سال ۱۳۹۵ یعنی سالی که ترامپ به ریاست جمهوری امریکا منتخب شد چهار درصد افزایش نرخ بیکاری در جامعه را شاهد بوده ایم که با این حساب از هر صد نفر دارای شرایط اشتغال در ایران ۱۶،۴ نفر بیکار هستند.

آمار زندانیان در سال ۱۳۹۵ طبق آمار اصلی کشور ۲۵۰ هزار نفر اعلام شده است که به شرح ذیل میباشد
تعداد کل زندانیان (تاسال ۹۶) ۲۵۰ هزار نفر
درصد مردان زندانی ۹۸ درصد
درصد زنان زندانی ۲ درصد (۴۰ درصد بدون ملاقات کننده)
میزان تاهل ۶۴ درصد متاهل
جرم اول زندانی شدن مواد مخدر
علل تأثیر گذار زندانی شدن ۷۳ درصد به علت فقر
علل تأثیر گذار زندانی شدن ۵۳ درصد دوست ناباب
علل تأثیر گذار زندانی شدن ۴۳ درصد کم سواد
علل تأثیر گذار زندانی شدن ۱۷ درصد رفتارهای پرخطر
تعداد زندانیان جرائم مالی ۲۹ هزار نفر
تعداد زندانیان جرائم مالی غیر عمد مالی ۱۸ هزار نفر
تعداد زندانیان دیات ۲ هزار نفر
تعداد زنان زندانی جرائم غیر عمد مالی ۳۶۰ نفر
درصد تاهل در زندانیان جرائم مالی ۸۶ درصد
تعداد زندانیان مهریه بیش از ۳ هزار نفر
بیشترین استان های دارای زندانیان جرائم غیر عمد فارس، تهران،

که برآورد با ابتدای سال ۱۳۹۷ هرچند آمار دقیقی از طرف رژیم به بیرون اعلام نشده است اما فقط تعداد زندانیان مهریه ۲۹۷۸ نفر بوده است که با عواملی همچون افزایش قیمت سکه رشد ۴۰ درصدی این محکومان را شاهد هستیم که با مقایسه با سال ۱۳۹۳ افزایش رشد ۷۱ درصدی زندانیان را دارد.

زنده باد نظام شورایی! زنده باد نظام سوسیالیستی!

روزهای یکم و پانزدهم هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)
[مقالات در نشریه](#)
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

ضروری است که حول مهمترین شعارها و مطالباتی که ماهیت، هویت و هدف مبارزه انقلابی طبقه کارگر، جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، فرهنگیان و کارکنان مترقی، دانشجویان و دانش آموزان چپ و سوسیالیست و توده های گسترده زحمتکشان جامعه را نمایندگی میکند متحدانه به میدان آمد و در سراسر کشور آنها را پخش و باز تکثیر نمود، اهم آنها عبارتند از:

"زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"، **"آزادی برابری حکومت کارگری"**، **"زنده باد برابری زن و مرد"**، **"نه به اعدام، شلاق، زندان و سرکوب"**، **"نه به فقر و فساد و استثمار"**، **"نه به نیروی های مسلح حرفه ای و ضد مردمی ارتش و سپاه و بسیج و اطلاعات و غیره"**، **"نه به جمهوری اسلامی، نه به قلدری امریکا، نه به تحریم اقتصادی"**، **"نه قومی نه اسلامی نه فدرالی نه سلطنتی، مرگ بر جمهوری اسلامی"**، **"دست مذهب از زندگی مردم، دولت و آموزش و پرورش کوتاه!"**، **"آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و حزب"**، **"آزادی بدون قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت"**، **"پرداخت فوری دستمزد بالای زیر خط فقر به کارگران و مزد بگیران"**، **"ممنوع شدن اخراج و بیکار سازی کارگران و مجرم دانستن عدم پرداخت به موقع دستمزد به کارگران"**، **"ممنوع بودن هر شکلی از کار کودکان"**، **"پرداخت بیمه بیکاری فوری برای همه افراد بیکار شده و آماده بکار"**، **"زنده باد آزادی، برابری، رفاه و امنیت"**، **"زنده باد جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی"**، **"زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران"**، **"مرگ بر سرمایه داری"**، **"زنده باد سوسیالیسم"...**

لینک گفتگوی صدا/ تصویری

گفتگو با سلام زیجی در باره ۱- تداوم جدال امریکا و ایران و پیامدهای آن ۲- بیانیه های اخیر ۱۴ نفره جنبش راست ۳- سالگرد چهلین سال یورش نظامی جمهوری اسلامی به جامعه کردستان

<https://www.facebook.com/elisar.jan/videos/2304816356496787/UzpfSTEwMDAwMDE1Nzg2NDQ4MjoyOTA5MjcyNjA1NzU0NjQw/>

اخراج و بیکار سازی موقوف!